

شناسایی و رتبه‌بندی علل عدم اجرای مصوبات کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید در بخش صنعت توسط بانک‌ها مطالعه موردی استان قزوین

سمیه نوروزی

کارشناس مسئول اقتصادی اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان قزوین (نویسنده مسئول)

norouzi.somayeh1@gmail.com

علی حقیقت

رئیس گروه مطالعه و تحلیل بخش‌های اقتصادی اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان قزوین

alihaqiqat57@gmail.com

ستاد تسهیل و رفع موانع تولید از سال ۱۳۹۵، به استناد مواد ۶۱ و ۶۲ الحاقی قانون رفع موانع تولید، و در راستای حمایت از بخش‌های تولیدی، در کشور و در سطح استان‌ها به شکل کارگروه، ایجاد شده است. از جمله وظایف و اختیارات این ستاد اتخاذ تصمیم برای تأمین مالی مناسب واحدهای تولیدی به ویژه طرح‌های نیمه‌تمام با همکاری بانک‌های عامل - مشروط به ارائه برنامه توجیه فنی، مالی و اقتصادی مورد تأیید بانک و کارگروه، توسط واحدهای تولیدی - است. بررسی عملکرد این کارگروه در استان قزوین طی سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۵، نشان می‌دهد بین درخواست‌های مصوب در کارگروه و اجرا شده توسط شبکه بانکی انحراف وجود داشته و شبکه بانکی از پرداخت تسهیلات به ۴۴ درصد از درخواست‌های مصوب (به لحاظ مبلغ ۵۸ درصد) در کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید استان، خودداری نموده است، این در حالی است که مصوبات کارگروه برای تمامی دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های خدمات‌رسان و بانک‌ها با رعایت قوانین حاکم، لازم‌الاجرا است. هدف این مقاله شناسایی و رتبه‌بندی علل عدم اجرای مصوبات کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید در بخش صنعت توسط بانک‌های عامل است. به این منظور با استفاده از روش دلفی، با همکاری ۱۵ نفر از نخبگان در بخش «تولید صنعتی»، «شبکه بانکی»، و نیز «بخش دولتی»، عوامل، شناسایی و در ادامه با استفاده از روش تاپسیس رتبه‌بندی شده‌اند. نتایج نشان می‌دهد بی‌ثباتی شرایط اقتصاد کلان؛ عدم برخورداری طرح‌های اقتصادی از توجیه اقتصادی؛ فنی و مالی، از مهمترین دلایل عدم اجرای مصوبات کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید توسط شبکه بانکی استان بوده است.

طبقه‌بندی JEL: C83, C02, E23, L60

واژگان کلیدی: ستاد تسهیل و رفع موانع تولید، بخش صنعت، روش دلفی، روش تاپسیس.

۱. مقدمه

رونق تولید و تقویت بخش‌های اقتصادی کشور از اولویت‌های اساسی دولت و نظام به‌شمار می‌رود. بخش صنعت به لحاظ اهمیت فراوانی که در رشد و توسعه اقتصادی دارد همواره در اولویت بررسی‌های اقتصادی قرار داشته است. تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران در این بخش، در جهت تداوم تولید و یا سرمایه‌گذاری نیاز به سرمایه مالی دارند و به دلیل بالا بودن هزینه‌های تدارک مواد اولیه جهت تولید، نیاز آن‌ها به داشتن نقدینگی کافی (برای ادامه فعالیت در این زمینه) اهمیت می‌یابد (فتحی آقابابا، ۱۳۹۹). ایران جزو اقتصادهای بانک‌محوری است که تأمین مالی از طریق بانک در آن نقش مسلط دارد (نبلی، ۱۳۹۵) و سیستم بانکی نقش فعالی در زمینه تأمین مالی بخش صنعت بویژه تأمین نیاز نقدینگی کوتاه مدت بنگاه‌های تولیدی دارد. اعتبارات برای تأمین نهاده‌های مختلف تولیدی مانند نیروی کار، نهاده‌های سرمایه‌ای، فناوری و نیز خرید مواد اولیه مورد استفاده قرار می‌گیرد و از این رو، اهمیت ویژه‌ای در رشد و توسعه فعالیت‌های تولیدی دارد (الزوبی^۱، ۲۰۱۸).

جهت حمایت از بخش صنعت در ماده ۴۶ قانون برنامه ششم توسعه، مجموعه حمایت‌های مالی و غیر مالی، به‌منظور رونق تولید، نوسازی صنایع، حمایت هدفمند از صنایع دارای اولویت سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و همچنین توسعه صادرات غیرنفتی، تعریف شده است. بخشی از این حمایت‌ها عبارتند از اختصاص ۴۰ درصد از تسهیلات شبکه بانکی به بخش صنعت، پرداخت ۱۰ درصد از منابع ارزی صندوق توسعه ملی در قالب خط اعتباری ریالی به بخش صنعت، پرداخت تسهیلات به واحدهای مستقر در مناطق روستایی و همچنین به واحدهای بحران زده و یا نیازمند نوسازی و بازسازی و ... بوده است.^۲

1. Al-Zubi

۲. بندهای (پ)، (ث) و (ج) ماده ۴۶ قانون برنامه پنجاه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران.

از سوی دیگر به استناد مواد ۶۱ و ۶۲ الحاقی قانون رفع موانع تولید از سال ۱۳۹۵ ستادی با عنوان ستاد تسهیل و رفع موانع تولید در سطح ملی و در سطح استانی به صورت کارگر و با هدف حمایت از بخش‌های تولیدی ایجاد شده است. از جمله وظایف و اختیارات کارگروه و دبیرخانه استانی مربوطه، اتخاذ تصمیم در سطح استانی برای رفع موانع تولید، تسهیل امور سرمایه‌گذاری، تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام، پیشگیری از توقف طرح‌های در دست اجرا و تعطیلی واحدهای تولیدی، پیگیری تأمین و تخصیص منابع مالی جهت تکمیل طرح‌های نیمه‌تمام و سرمایه مورد نیاز واحدهای تولیدی (سرمایه ثابت و سرمایه در گردش) و تعیین تکلیف بازپرداخت تسهیلات ارزی و ریالی اعطایی به بخش تولید است. وظیفه و اختیار پیش‌بینی شده برای کارگروه‌های استانی در اتخاذ تصمیم برای تأمین مالی مناسب واحدهای تولیدی به ویژه طرح‌های نیمه‌تمام با همکاری بانک‌های عامل، به ارائه برنامه توجیهی فنی، مالی و اقتصادی مورد تأیید بانک و کارگروه توسط واحدهای تولیدی باز می‌گردد، به عبارت دیگر کارگروه‌های استانی برای اعطای تسهیلات باید این نکته را در نظر بگیرند که این تسهیلات به سمت واحدهای تولیدی هدایت شود که بتوانند امکان فروش و حداقل خودگردانی مالی را داشته باشند. پرداخت تسهیلات به طرح‌های مختلف (رونق تولید، بازسازی و نوسازی و توسعه روستایی و...) با تصویب کارگروه (ستاد) در اولویت اعطای تسهیلات بانک‌ها قرار خواهند گرفت.

میزان تسهیلات پرداخت شده از طریق کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید استان قزوین^۱ بخش صنعت طی سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۵ در جدول (۱) آورده شده است، همان‌طور که ملاحظه می‌شود در سال ۱۳۹۵ در حدود ۲۰ درصد از کل تسهیلات اعطاء شده شبکه بانکی در بخش صنعت بوده اما در سال‌های بعد این نسبت کاهش یافته و به ۱۰/۳ درصد در سال ۱۳۹۷ و ۱۴/۸ درصد در سال ۱۳۹۸ رسیده است این در حالی است که در این سال‌ها هم منابع بانک‌ها افزایش یافته و هم سهم تسهیلات اعطاء شده آنها به بخش صنعت افزایشی بوده است، با این وجود مشارکت بانک‌ها با

۱. تسهیلات پرداختی کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید، طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۷ با عنوان "رونق تولید" و از سال ۱۳۹۸ به بعد تحت سه عنوان "رونق تولید"، "بازسازی و نوسازی" و "بند الف تبصره ۱۸" پرداخت شده است.

کارگروه در این سال‌ها کاهش یافته بود، در سال ۱۳۹۹ سهم مورد نظر با بهبود مواجهه بوده و به ۲۶ درصد افزایش یافت.

جدول ۱. سهم تسهیلات کارگروه از کل تسهیلات شبکه بانکی در بخش صنعت (میلیارد ریال)

شرح	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹
تسهیلات پرداخت شده در کارگروه تسهیل در بخش صنعت	۳۵۹۰	۳۶۳۰	۳۴۹۵	۷۱۲۶	۱۷۱۵۴
کل تسهیلات پرداخت شده در استان در بخش صنعت	۱۷۹۰۳	۲۰۲۸۳	۳۳۹۷۴	۴۸۲۰۸	۶۵۱۴۷
سهم تسهیلات کارگروه از کل تسهیلات شبکه بانکی در بخش صنعت	۲۰	۱۸	۱۰/۳	۱۴/۸	۲۶

مأخذ: کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید استان، دبیرخانه شورای هماهنگی استان

جدول شماره (۲) عملکرد کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید طی سال‌های ۱۳۹۹-۱۳۹۵ را نشان می‌دهد. بر اساس بررسی صورت گرفته، در سال ۱۳۹۵ وعده وزیر وقت صمت مبنی بر پرداخت یارانه به سود تسهیلات پرداخت شده از طریق کارگروه، موجب سرازیر شدن انبوهی از درخواست‌ها به سمت دبیرخانه کارگروه شده است به طوری که در این سال تعداد ۱۱۸۸ درخواست ثبت شد، اما در سال‌های بعد تعداد درخواست‌ها کاهش یافته است. مجموع مبلغ تسهیلات مورد درخواست اما به جز در سال ۱۳۹۷ که نسبت به سال ۱۳۹۶ کاهش داشته به طور کلی افزایشی بوده است. البته عامل افزایش چند ده برابری مجموع مبلغ تسهیلات مورد درخواست در سال ۱۳۹۹ وجود چند مورد درخواست با رقم بسیار بالا بوده است.

طی سال‌های مورد بررسی، بین تعداد و مبلغ درخواست‌های مصوب شده در کارگروه و اجرا شده توسط شبکه بانکی انحراف وجود داشته و شبکه بانکی استان در مجموع از اجرای ۴۴ درصد از مصوبات کارگروه که به لحاظ مبلغ بیش از ۵۸ درصد می‌باشد، خودداری نموده است. این انحراف به‌ویژه در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ قابل توجه بوده است، در سال ۱۳۹۷ به لحاظ تعداد و

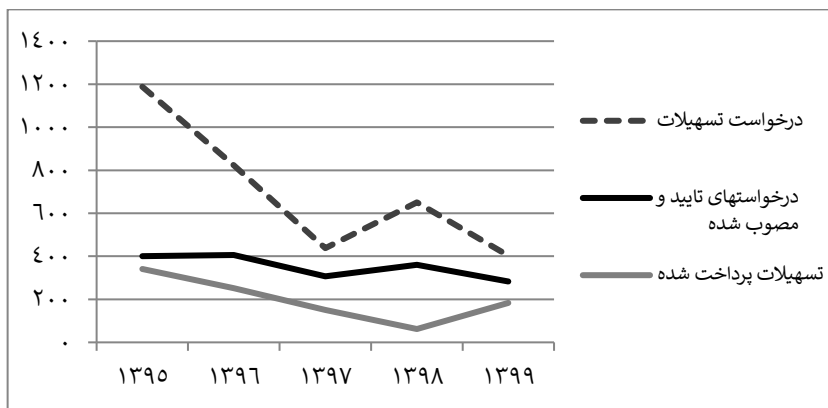
مبلغ به ترتیب ۱۰ و ۱۲ درصد و در سال ۱۳۹۸، ۴۳ و ۲۴ درصد از درخواست‌های مصوب منتج به پرداخت شده است. این در حالی است که مصوبات ستاد برای بانک‌ها و تمامی دستگاه‌های اجرایی و شرکت‌های خدمات‌رسان و با رعایت قوانین حاکم، لازم‌الاجرا است.

از طرفی تکلیف سیستم بانکی به پرداخت تسهیلات به بخش خصوصی بدون انجام کارشناسی لازم، موجب ضربه به سیستم بانکی و افزایش بدهی و حجم مطالبات معوق و نکول می‌شود؛ حال آنکه بانک‌ها به عنوان واسطه‌های مالی باید حافظ سپرده‌های سپرده‌گذاران باشند. لذا این مطالعه به شناسایی و رتبه‌بندی عوامل مؤثر بر عدم اجرای مصوبات کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید توسط بانک‌های استان قزوین می‌پردازد.

جدول ۲. عملکرد کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید طی سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۹ (مبلغ به میلیارد ریال)

شرح	درخواست تسهیلات	درخواست‌های تایید و مصوب شده	تسهیلات پرداخت شده	نسبت تسهیلات پرداخت شده به مصوب (درصد)	
۱۳۹۵	تعداد	۱۱۸۸	۴۰۱	۳۴/۰۴	
	مبلغ	۱۵۲۶۹	۵۱۴۵	۷۰	
۱۳۹۶	تعداد	۸۲۳	۴۰۶	۶۲/۷	
	مبلغ	۳۵۰۶۳	۶۰۸۶	۵۹/۶۴	
۱۳۹۷	تعداد	۴۳۸	۳۰۷	۱۰/۴	
	مبلغ	۲۸۶۹۹	۱۴۱۲۶	۱۲/۰۳	
۱۳۹۸	تعداد	۶۵۰	۳۶۱	۴۳/۲۱	
	مبلغ	۲۴۷۱۷۳	۲۸۷۱۷	۲۴/۸۱	
۱۳۹۹	تعداد	۴۰۳	۲۸۳	۶۴/۷	
	مبلغ	۳۲۸۴۴۴۳۹	۲۹۵۱۹	۵۸	
مجموع	تعداد	۳۵۰۲	۱۷۵۸	۵۶	
	مبلغ	۳۳۱۷۰۶۴۳	۸۳۵۹۳	۴۲	

مأخذ: کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید استان



نمودار ۱. عملکرد کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید استان در پرداخت تسهیلات (به لحاظ تعداد) طی سالهای ۱۳۹۵-۱۳۹۹



نمودار ۲. عملکرد کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید استان در پرداخت تسهیلات (به لحاظ مبلغ) طی سالهای ۱۳۹۵-۱۳۹۹

با توجه به رشد ۱۳ هزار درصدی در مبلغ تسهیلات درخواست شده در سال ۱۳۹۹، این رقم در نمودار نشان داده نشده است.

۲. مروری بر ادبیات موضوع

سیستم و نظام بانکی به عنوان یکی از مهمترین و اساسی‌ترین بخش‌های اقتصاد جامعه در قالب بازارهای مالی نقش و جایگاه به‌سزایی را در فعالیت‌های اقتصادی ایفا می‌نمایند. یکی از عوامل مؤثر در رشد و توسعه اقتصادی هر جامعه، ساماندهی بازارهای مالی در جهت افزایش توان رقابتی بانک‌ها، گسترش بازارهای پول و سرمایه، جذب نقدینگی‌های مردم و تخصیص آن به فعالیت‌های تولید و ایجاد امکانات لازم برای مشارکت عموم است. اکنون به طور وسیع پذیرفته شده است که خدمات واسطه‌های مالی به طور اعم و بانک‌ها به طور اخص، از نقش و جایگاه ویژه‌ای در توسعه اقتصادی برخوردار است.

نقش مهم و حساس سیستم بانکی در تجهیز منابع مالی و تخصیص نیازهای سرمایه‌گذاری به خصوص در اقتصاد ایران که بازارهای مالی متشکلی ندارد و ساختار بخش مالی متکی به بانک می‌باشد، دوچندان است. بانک‌ها به عنوان مهمترین و اصلی‌ترین شق بازار پول در اقتصاد ایران، وظیفه مدیریت و تدارک نقدینگی و هدایت و کانالیزه کردن آن را به سمت فعالیت‌های مولد تولیدی و سرمایه‌گذاری دارا می‌باشند، به طوری که اهم نقدینگی اقتصاد جامعه باید توسط نظام بانکی کشور برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف اقتصادی هدایت و مدیریت شود. نه تنها در ایران که در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، این بخش، عملاً تنها ابزار جذب پس‌انداز خصوصی در مقیاس بزرگ است (آواد و الکرکی، ۲۰۱۹).

نحوه عمل بانک‌ها و بازار سرمایه در تجمیع و تخصیص منابع مالی نقش غیر قابل انکاری در تحولات تولید و رشد اقتصادی بازی می‌کند؛ اینکه پس‌اندازها چگونه جمع‌آوری می‌شوند و چگونه در اختیار متقاضیان قرار می‌گیرند و اینکه به کدام متقاضیان تخصیص داده می‌شوند، اهمیت دارد و عاملی تعیین‌کننده در راستای شکل‌گیری سرمایه‌گذاری مولد خواهد بود (طاهر پور، ۱۳۹۶). از این

رو قلیچ^۱ (۱۳۹۹) اصلاح و تقویت ساختار اعطای تسهیلات و اعتبارات بانکی را یکی از مهمترین وظایف نظام بانکی و بلکه کلیت اقتصاد کشور عنوان می‌کند.

در خصوص نظام‌های مالی بانک محور، شاکری (۱۳۹۵) استدلال می‌کند که بانک یک ابداع و اختراع بشر در عصر جدید است و مثل سایر اختراعات در معرض طیفی از کارکردها قرار دارد و می‌تواند مثل یک بنگاه که از صرفه و زیان خود مواظبت می‌کند به عنوان یک نهاد اجتماعی با ارائه کارکردی صحیح در پیشرفت و اعتلای جوامع ایفای نقش کند و با رعایت قواعد بازی اجتماعی صلاح کشور و به‌ویژه اقتصاد را تأمین کند. در عین حال می‌تواند با کارکردی مبتنی بر جزئی‌نگری و سودجویی و سوداگری، بازتولید ضعف‌ها و اختلالات اقتصادی را تقویت و تسریع کند و اقتصاد را در دام عدم تعادل و بی‌ثباتی گرفتار کند. اگر نظام بانکی از جایگاه و کارکرد اصلی خود فاصله بگیرد، تضاد منافع بانک‌ها و تولید کنندگان تشدید شده و موجب بروز مشکلات جدی در اقتصاد می‌شود. چنانچه جذب، تخصیص و به جریان انداختن منابع بانک‌ها به گونه‌ای کارآمد انجام شود، بستر دستیابی به رشد اقتصادی هموارتر می‌شود، اما اگر شیوه‌های جذب و به کارگیری سپرده‌ها توسط بانک‌ها نامطلوب باشد، نه تنها باعث رشد اقتصادی جوامع نمی‌شود، بلکه سبب بروز انواع بحران‌ها در این جوامع خواهد شد. اگرچه اساساً اگر اقتصاد خوب عمل کند و فضای مناسبی بر آن حاکم باشد جمع بین منافع منطقی بانک‌ها و منافع تولید کنندگان، امری کاملاً امکان‌پذیر است.

راجان و زینگلس^۲ (۲۰۰۳) استدلال می‌کنند که نظام مالی بانک-محور فاقد کارایی لازم در شناسایی و تشخیص بنگاه‌های ضعیف و ناتوان بوده و نمی‌تواند از آسیبی که این بنگاه‌ها می‌توانند بر اقتصاد وارد سازند، جلوگیری کند. انتقاد دیگر اینکه بانک‌ها همواره در جهت حداکثر کردن منافع خود عمل می‌کنند و این مسأله ممکن است با بهینه کردن منافع بنگاه‌ها و سهامداران دیگر یا به طور کلی با منافع و سود اجتماعی در تعارض باشد (والی نژاد، ۱۳۸۴) و لذا موضوع لزوم مداخله

۱. قلیچ، وهاب (۷ مهر ۱۳۹۹). ملاحظاتی بر اصلاح ساختار تسهیلات بانکی؛ بازبایی به تاریخ ۱۰/۰۷/۱۳۹۹؛ قابل

دسترسی به آدرس: <http://www.fasletejarat.com/Fa/News/420878>

۲. Rajan , Zingales

دولت در این بخش از طریق وضع مقررات از جمله تعیین سقف نرخ بهره، نرخ ذخیره قانونی بالا و تخصیص دستوری اعتبارات بر عملکرد بانک‌ها مطرح می‌شود.

در مقابل مدافعان نظریه «آزادسازی مالی» با انتقاد از وضع مقررات بر بازارهای مالی، سیستم بانکی و تسهیلات بانکی را راهبردی برای دستیابی به رشد اقتصادی مطرح کردند. به اعتقاد آنها، حذف محدودیت‌های دولتی بر سیستم بانکی، باعث افزایش کمیت و کیفیت سرمایه‌گذاری می‌شود (فتحی آقا بابا، ۱۳۹۹).

در سیستم بانکی ایران نرخ‌های سپرده و وام‌های اعطایی به صورت دستوری تعیین می‌شوند و نرخ‌های مزبور در اغلب موارد پایین‌تر از نرخ بازار است، این امر سبب ایجاد صف برای دریافت اعتبارات از سیستم بانکی می‌شود. همچنین سطره تحریم‌ها بر اقتصاد ایران و تنگناهای مالی ناشی از آن نیز فشار زیادی بر بودجه کشور وارد کرده و بخشی از این فشار در قالب تسهیلات تکلیفی بر دوش نظام بانکی است.

از نگاه میربهراری (۱۳۸۱)، در اثر سیاست‌گذاری‌های دولت در زمینه تسهیلات بانکی، که به منظور کمک به اقشار نیازمند و یا حمایت از بخش‌های تولیدی صورت گرفته، وجوهی از طریق بانک‌ها پرداخت شده است. استفاده مکرر از این منابع موجب شده است که دولت منابع بانکی را همانند منابع بودجه‌ای مورد استفاده قرار دهد. وی مشکلات و عوارض ناشی از این تسهیلات تکلیفی را تضعیف سیاست‌های پولی، تخصیص غیر بهینه منابع مالی، اثر منفی بر مشتریان عادی بانک‌ها، اثر منفی بر سودآوری بانک‌ها، افزایش ریسک اعتباری بانک‌ها و خارج شدن حجم زیادی از منابع مالی بانک‌ها از دسترس آن‌ها، ذکر می‌کند.

افزایش بیش از حد تسهیلات تبصره‌ای، باعث افزایش ریسک اعتباری می‌شود و احتمال نکول اعتبار توسط وام‌گیرندگان را افزایش داده و باعث افزایش مطالبات معوق و مشکوک‌الوصول می‌شود (خشنودی ۱۳۹۱: ۷). بدون شک یکی از مهم‌ترین چالش‌های پیش روی نظام بانکی کشور طی چند سال اخیر، سیر فزاینده مطالبات معوق بوده که محصول پرداخت تسهیلات غیر واقعی،

کارشناسی نشده و نابه‌جا می‌باشد. این موضوع بیانگر کاهش کیفیت دارایی‌های شبکه بانکی است و به تبع آن، ناپایداری‌های احتمالی را در پی دارد (رامندی، ۲:۱۳۹۳).

میربهراری (۱۳۸۱)، علت عدول بانک‌ها از سقف‌های کلی اعتباری را کمبود منابع عنوان و بیان می‌کند به طور کلی، پرداخت تسهیلات تکلیفی مصوب در قوانین بودجه، از دو منبع اصلی، یعنی افزایش سپرده‌ها و وصولی بانک‌ها از محل بازپرداخت تسهیلات گذشته قابل تأمین است. در این زمینه فرض بر آن است که همه ساله بخش قابل توجهی از تسهیلات گذشته بازپرداخت شده و می‌تواند پرداخت قسمت اعظم تسهیلات تکلیفی را تأمین کند، اما قسمت عمده‌ای از تسهیلات غیرتبصره‌ای بانک‌ها را تسهیلات کوتاه مدت سرمایه در گردش مربوط به بنگاه‌های قدیمی و طرح‌های تکمیل شده قبلی تشکیل می‌دهد که امکان عدم تمدید این تسهیلات در سررسید وجود ندارد، زیرا نه تنها این مشتریان امکان بازپرداخت تسهیلات مذکور را ندارند، بلکه بازپس‌گیری آن موجب توقف تولید و زیان اقتصادی خواهد شد. لذا فقط آن بخش از تسهیلاتی که مربوط به سرمایه‌گذاری ثابت در طرح‌ها است، قابل برگشت به نظام بانکی است و اینگونه وصولی‌ها پاسخگوی حجم عظیم تسهیلات تکلیفی نمی‌باشد.

اخلاقی ندا و دیگران (۱۳۹۵)، اثر دخالت دولت در بخش بانکی روی پایداری مالی این بخش در ایران در دوره ۹۲-۱۳۸۰ را مورد بررسی قرار داده‌اند. برای اندازه‌گیری دخالت دولت در بخش بانکی از متغیرهای نرخ سود واقعی سپرده، تسهیلات اعطایی تبصره‌ای بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیربانکی و نسبت بدهی بخش دولتی به مجموع بدهی یا دارایی بخش بانکی و روش تحلیل اجزای اصلی (PCA)، و برای سنجش پایداری مالی از شاخص Z-SCORE استفاده شده است. نتایج این مطالعه که، حاصل بررسی ۱۴ بانک کشور است، نشان می‌دهد که در دوره مورد بررسی، متغیرهای بانکی نظیر نسبت بدهی به دارایی و نیز متغیر دخالت دولت، اثر منفی و معناداری روی پایداری مالی بانک‌ها دارد و باعث آسیب‌پذیری مالی بخش بانکی می‌شود. دخالت دولت در بخش بانکی باعث شده که بانک‌ها آزادی عمل خود را از دست داده و در نهایت، نتوانند به عنوان مؤسسات اقتصادی

عمل کنند. همچنین افزایش نسبت بدهی به دارایی، باعث افزایش آسیب‌پذیری مالی بخش بانکی و افزایش اندازه بانک‌ها موجب بهبود پایداری مالی این بخش می‌شود.

سید محمد رضا نورانی و دیگران (۱۳۹۷)، در مقاله‌ای با عنوان «عوامل مؤثر بر انحراف تسهیلات» با نظرسنجی و طراحی یک پرسشنامه، عوامل اقتصادی مؤثر بر انحراف تسهیلات را بررسی کرده‌اند. نتایج این مطالعه حاکی از آن است که انحراف تسهیلات با حجم تسهیلات اعطایی، نرخ سود تسهیلات بانکی و سهم عقود مشارکتی رابطه مستقیم دارد.

جعفری مزدهی و همکاران (بی تا)، یکی از پیامدهای حضور دولت در بازارهای اقتصادی ایران را ایجاد تورم ناشی از فشار بدهی شرکت‌ها و موسسات دولتی بر پایه پولی و نقدینگی در اقتصاد کشور می‌داند. تحت این شرایط، لزوم حرکت به سمت خصوصی سازی و تسریع اعمال سیاست‌های مرتبط با آن در اقتصاد پیشنهاد می‌گردد.

۳. روش تحقیق

نظر به اینکه روش انجام این پژوهش میدانی است، بنابراین از نظر هدف در حیطه پژوهش‌های اکتشافی و کاربردی قرار می‌گیرد. هدف نهایی در پژوهش کاربردی، بهبود درک نسبت به مسأله فراروی محقق و یافتن راه حلی برای آن می‌باشد. هدف دیگر آن است که یافته‌های پژوهش عملی بوده و برای مدیران سازمان، معنادار و ارزشمند باشد (دانایی فرد و همکاران، ۱۳۹۱). در این پژوهش با استفاده از روش دلفی^۱ عوامل مؤثر در انحراف مصوبات کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید استان قزوین و شبکه بانکی شناسایی و در ادامه به منظور اولویت‌بندی، عوامل شناسایی شده با کمک روش تاپسیس^۲ رتبه‌بندی شده است.

1. Delfi method

2. Topsis

۳-۱. روش دلفی

روش دلفی برای اولین بار در دهه ۱۹۵۰ میلادی در موسسه راند^۱ به کار گرفته شد. این روش زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که در خصوص یک موضوع خاص، نیاز به جمع‌آوری و ترکیب نظرات متخصصین باشد. در این روش، بدون این که به حضور فیزیکی و یا ملاقات شرکت کنندگان با یکدیگر نیازی باشد، یک گروه متخصصان^۲ مجموعه‌ای از فرضیه‌ها^۳ را درباره موضوع تحت بررسی، ارزیابی می‌کنند. هر چند روش دلفی در ابتدا به عنوان یک فرایند پیش‌بینی به کار گرفته می‌شد، اما به علت اهمیت آن، هم اکنون در سایر حوزه‌ها از جمله ارائه دلایل موافق و مخالف برای یک انتخاب بالقوه و شرح و بسط روابط علی در پدیده‌های پیچیده اقتصادی و اجتماعی نیز به کار گرفته می‌شود (لینستون و تورو^۴، ۲۰۱۱). روش دلفی زمانی کاربرد دارد که اهداف تحقیق، کشف و اولویت‌بندی و کسب اطلاعات جدید در زمینه موضوع مورد مطالعه باشد (روبرت و دی^۵، ۲۰۰۴). این روش با استفاده از پرسشنامه و نظرخواهی، به دفعات و با توجه به بازخورد حاصل از آن‌ها صورت می‌گیرد (اسمالی و ریتالیک^۶، ۲۰۱۱). اجرای این تکنیک شامل مراحل زیر است:

- مشخص کردن هدف
- شناسایی متخصصان
- تدوین ابزار برای جمع‌آوری اطلاعات
- ارسال پرسشنامه برای متخصصان
- تجزیه و تحلیل پاسخ‌ها و ارسال مجدد پرسشنامه
- جمع‌آوری مجدد پرسشنامه و اولویت‌بندی

لازم به ذکر است تعداد شرکت کنندگان در پنل برحسب دامنه و گستره موضوع و منابع قابل دسترس، متفاوت خواهد بود. در پژوهش‌های مختلف تعداد اعضای پنل متفاوت بوده و استفاده از

-
1. Corporation Rand
 2. Panel of expert
 3. A set Hypotheses
 4. Linstone & Turoff
 5. Roberts and Dyer
 6. Smalley, S.W. and Retallick, M.S.

گروه‌هایی با اندازه‌های ۸ نفر تا بیش از ۱۵۰۰ نفر گزارش شده است. علاوه بر محدودیت‌های زمانی و بودجه‌ای، تعداد افراد صاحب نظر در آن عرصه نیز در تعیین تعداد اعضای پنل مؤثر هستند. هر چند برخی محققین بر این باورند که هرچه تعداد شرکت کنندگان بیشتر باشد بهتر است، اما در مقابل نیز عده‌ای معتقدند که شواهد تجربی کمی در خصوص تأثیر تعداد شرکت کنندگان بر روایی و اعتمادپذیری فرایندهای اجماع وجود دارد (لینستون و توروف، ۲۰۰۲). از این رو می‌توان گفت در روش دلفی، شایستگی اعضای پنل موضوعیت دارد و نه تعداد آن‌ها (مهم است که افرادی با تخصص‌های مختلف مرتبط با موضوع پژوهش، در گروه خبرگان حضور داشته باشند). در این پژوهش از همکاری ۱۵ نفر از نخبگان اقتصادی استان از بخش خصوصی، شبکه بانکی و بخش دولتی جهت شناسایی عوامل، بهره گرفته شده است، که شامل ۵ نفر از کارشناسان خبره در دایره اعتبارات شعب مرکزی بانک‌های ملی، کشاورزی، صنعت و معدن و تجارت، ۵ نفر از صاحب‌نظران اقتصادی از اعضای خانه صنعت، اتاق بازرگانی و انجمن کارفرمایان استان و نیز ۵ نفر از کارشناسان در بخش دولتی از سازمان صمت، استانداری و اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان بودند. این افراد دارای آگاهی کافی و متخصص در حوزه مورد بررسی بودند که به صورت نمونه‌گیری غیراحتمالی و ترکیبی از روش‌های هدف‌دار برگزیده شدند. ابتدا با این افراد ارتباط برقرار شد و ضمن تعریف مساله تحقیق، موافقت ایشان جهت همکاری جلب شد.

اولین دور پرسشنامه در روش دلفی، معمولاً فاقد ساختار بوده، به صورت پرسش‌های باز مطرح می‌شوند. این کار به شرکت کنندگان، دامنه آزادی عمل بیشتری می‌دهد تا درباره موضوع تحت بررسی دیدگاه‌های خود را به نحو مبسوط ارائه نمایند. در واقع نقش دور اول تعیین مسائلی است که در دورهای بعدی بررسی می‌شوند. در این دور که از طریق مصاحبه باز با اعضای پنل انجام شد، از هر عضو خواسته شد نظرات خود بیان کنند و به این ترتیب فهرستی از عوامل مؤثر تهیه شد و در ادامه مبتنی بر آن پرسشنامه مرحله دوم تدوین گردید.

به طور معمول، در روش دلفی تلاش می‌شود تا اعضاء پنل در دور دوم به یک توافق حداکثری درباره پرسشنامه دست یابند. ارسال بیش از ۲ بار پرسشنامه هم ممکن است در نظر گرفته شود، البته

با توجه به این که انجام این امر به ریزش اعضاء پانل (و کاهش مشارکت در پاسخگویی) می‌انجامد، کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد (مک میلان، کینگ و تولی، ۲۰۱۶). عامل اصلی تضمین کننده موفقیت روش دلفی، انتخاب صحیح اعضاء پانل، تهیه و تدارک سؤالات سودمند در مرحله اول و توجه کامل به نظرات اعضاء پانل و خلاصه کردن نظرات آنها در هر دور از بازنگری است. در این پژوهش پرسشنامه طی ۲ مرحله نهایی شد. لازم به ذکر است نظرات به صورت عددی از یک (کمترین اثر) تا ۹ (بیشترین اثر) اخذ شده است.

۲-۳. روش رتبه بندی TOPSIS

در این روش m گزینه به وسیله n شاخص، پس از طی کردن مراحل زیر مورد ارزیابی قرار می‌گیرد:

- مرحله اول: ایجاد ماتریس تصمیم گیری ($m*n$)، با توجه به تعداد گزینه‌ها (m) و تعداد شاخص‌ها (n)، در این بررسی شامل ۱۴ سطر (در برگیرنده عوامل) و ۳ ستون (در برگیرنده ۳ گروه بخش خصوصی، شبکه بانکی و بخش دولتی) است.
- مرحله دوم: نرمال سازی و بی‌مقیاس سازی ماتریس تصمیم گیری، با استفاده از بی‌مقیاس سازی ماتریس نرم (رابطه ۱). در بی‌مقیاس سازی نرم هر عنصر ماتریس تصمیم گیری بر مجموع مجذور مربعات عناصر هر ستون، تقسیم می‌گردد.

$$n_{ij} = \frac{x_{ij}}{\sqrt{\sum_i^m (a_{ij})^2}} \quad (1)$$

n_{ij} ، مقدار بی‌مقیاس شده گزینه i ، از نظر شاخص j است. بدین طریق، کلیه ستون‌های ماتریس تصمیم گیری، دارای واحد طول مشابه (از بردار نظیر) می‌شوند و می‌توان به راحتی، آنها را با هم مقایسه کرد.

- مرحله سوم: به دست آوردن ماتریس موزون، از ضرب ماتریسی ماتریس نرمال شده در ماتریس قطری وزن‌ها (رابطه ۲). W_j وزن معیار j ام در بردار w است.

$$V = N \times W_n \times n \quad (۲)$$

در این پژوهش از تکنیک آنتروپی شانون وزن شاخص‌ها محاسبه می‌شود.

- مرحله چهارم: تعیین راه حل ایده‌آل مثبت و منفی با استفاده از روابط (۳) و (۴).
راه حل ایده‌آل مثبت

$$v_j^+ = [V \text{ بر دار بهترین مقادیر هر شاخص ماتریس}] \quad (۳)$$

راه حل ایده‌آل منفی

$$v_j^- = [v \text{ بر دار بدترین مقادیر هر شاخص ماتریس}] \quad (۴)$$

- مرحله پنجم: به دست آوردن میزان فاصله هر گزینه تا ایده‌آل‌های مثبت و منفی با استفاده از روابط (۵) و (۶)

$$d_i^+ = \left\{ \sum_{j=1}^n (V_{ij} - v_j^+)^2 \right\}^{0.5}; \quad i = 1, 2, \dots, m \quad (۵)$$

$$d_i^- = \left\{ \sum_{j=1}^n (V_{ij} - v_j^-)^2 \right\}^{0.5}; \quad i = 1, 2, \dots, m \quad (۶)$$

مرحله ششم: تعیین نزدیکی نسبی گزینه‌ها به راه حل ایده‌آل با استفاده از رابطه (۷):

$$cl_{i+} = \frac{d_i^-}{(d_{i+} + d_{i-})}; \quad 0 \leq cl_{i+} \leq 1; \quad i = 1, 2, \dots, m \quad (۷)$$

۴. نتایج تحقیق

۴-۱. شناسایی عوامل

در مرحله اول این پژوهش، یک دور برای تولید ایده و طراحی سؤالات درباره عوامل مؤثر بر انحراف عملکرد شبکه بانکی از مصوبات صنعتی کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید استان انجام

شد. در این مرحله طی مصاحبه‌های حضوری با خبرگان، از آنان خواسته شد تا عوامل مؤثر را از دیدگاه خود بیان نمایند. سپس ضمن حذف عوامل تکراری و ترکیب و گروه‌بندی سؤالات، فهرستی شامل ۱۳ عامل تهیه شد که در جدول (۳) نشان داده شده است.

جدول ۳. فهرست عوامل شناسایی شده در دور نخست دلفی

ردیف	عوامل
۱	شرایط نامساعد محیط کسب و کار
۲	شرایط سختگیرانه بانک‌ها به خصوص در اخذ وثایق و سایر مدارک
۳	نقص مدارک ارائه شده به بانک عامل از سوی فعالان اقتصادی
۴	نداشتن توجه اقتصادی، فنی و مالی طرح‌های اقتصادی
۵	تمایل بانک‌ها به پرداخت تسهیلات کوتاه مدت و کم مبلغ
۶	تمایل بانک‌ها به پرداخت تسهیلات به مشتریان خوش حساب قبلی
۷	نبود مکانیزیمی جهت اخذ بازخورد از بانک‌های عامل و فعالان اقتصادی و ایجاد شفافیت در اثربخشی تسهیلات
۸	افزایش سطح معوقات بانکی (مشکوک الوصول، بلا وصول و...)
۹	عدم بررسی و ارزیابی دقیق و کارشناسانه مصوبات کارگروه در بانک‌های عامل
۱۰	عدم بررسی و ارزیابی دقیق و کارشناسانه درخواست‌های اولیه در کمیته کارشناسی ذیل کارگروه
۱۱	اصرار و تحکم مدیران ارشد بر افزایش عملکرد کارگروه به منظور ارتقاء رتبه استان
۱۲	ضعف فعالان اقتصادی در مدیریت بنگاه‌ها به خصوص بنگاه‌های کوچک و متوسط
۱۳	بی ثباتی اقتصاد کلان

مأخذ: یافته‌های پژوهش

سپس عوامل شناسایی شده در اختیار خبرگان قرار گرفت و از آنان خواسته شد نظر خود درباره هر یک از عوامل را به صورت عددی از ۱ (کمترین اثر) تا ۹ (بیشترین اثر) بیان نماید و در صورت

نیاز عوامل را اصلاح و چنانچه عامل دیگری را مؤثر می‌دانند بیان نمایند. نتیجه نشان داد که به غیر از یک عامل «عدم بررسی و ارزیابی دقیق و کارشناسانه مصوبات کارگروه در بانک‌های عامل»، بر روی ۱۲ عامل دیگر توافق بدست آمد. لازم به ذکر است توافق به این معنی است که حداقل دو سوم از نخبگان به عاملی درجه اهمیت متوسط و بالاتر را نسبت دهند.

جدول ۴. نظرات خبرگان دور دوم دلفی

عامل	میانگین نظرات ۱۵ نفر خبره	تعداد پاسخ‌هایی که برابر ۵ (متوسط) و یا بیشتر بودند
۱	۶/۵۳	۱۳
۲	۵/۳	۱۱
۳	۵/۲	۱۰
۴	۶/۴	۱۳
۵	۵/۷۳	۱۰
۶	۶/۶	۱۳
۷	۶/۳	۱۳
۸	۵/۹	۱۳
۹	۴/۴	۸
۱۰	۶	۱۱
۱۱	۵/۷	۱۰
۱۲	۶	۱۲
۱۳	۷/۷	۱۴

ماخذ: یافته‌های پژوهش

با توجه به اینکه در دور دوم عوامل دیگری توسط نخبگان پیشنهاد نشد، در دور بعدی تنها عامل «عدم بررسی و ارزیابی دقیق و کارشناسانه مصوبات کارگروه در بانک‌های عامل» که در دور اول مورد توافق نخبگان نبود به پرسشنامه دوم آورده شد. در این دور هم این عامل مورد تایید توافق قرار نگرفت و لذا از بین عوامل مؤثر حذف شد.

۲-۴. رتبه‌بندی عوامل شناسایی شده

نتایج رتبه‌بندی که به روش تاپسیس انجام شده است، در جدول (۵) ارائه شده است و ملاحظه می‌شود در بین ۱۲ عامل شناسایی شده، به ترتیب ۶ عامل، «بی ثباتی شرایط اقتصاد کلان»، «عدم برخوردی طرح‌ها از توجیه اقتصادی، فنی و مالی طرح‌های اقتصادی»، «نبود مکانیزمی جهت اخذ بازخورد از بانک‌های عامل و فعالان اقتصادی و ایجاد شفافیت در اثربخشی تسهیلات»، «شرایط نامساعد محیط کسب و کار»، «ضعف فعالان اقتصادی در مدیریت بنگاه‌ها به خصوص بنگاه‌های کوچک و متوسط»، «عدم وجود بنیه کارشناسی در کمیته کارشناسی ذیل کارگروه جهت بررسی درخواست‌های اولیه» از مهمترین عوامل انحراف شبکه بانکی در اجرای مصوبات کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید استان در پرداخت تسهیلات به واحدهای تولیدی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۵. نتیجه رتبه‌بندی عوامل شناسایی شده با استفاده از روش تاپسیس

رتبه	علل انحراف پرداخت تسهیلات از مصوبات صنعتی کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید استان قزوین
۱	بی ثباتی شرایط اقتصاد کلان
۲	نداشتن توجه اقتصادی، فنی و مالی طرح‌های اقتصادی
۳	نبود مکانیزیمی جهت اخذ بازخورد از بانک‌های عامل و فعالان اقتصادی و ایجاد شفافیت در اثربخشی تسهیلات
۴	شرایط نامساعد محیط کسب و کار
۵	ضعف فعالان اقتصادی در مدیریت بنگاه‌ها به خصوص بنگاه‌های کوچک و متوسط
۶	عدم بررسی و ارزیابی دقیق و کارشناسانه درخواست‌های اولیه در کمیته کارشناسی ذیل کارگروه
۷	اصرار و تحکم مدیران ارشد بر افزایش عملکرد کارگروه به منظور ارتقاء رتبه استان
۸	افزایش سطح معوقات بانکی (مشکوک الوصول، بلا وصول و...)
۹	تمایل بانک‌ها به پرداخت تسهیلات به مشتریان خوش حساب قبلی
۱۰	نقص مدارک ارائه شده به بانک عامل از سوی فعالان اقتصادی
۱۱	تمایل بانک‌ها به پرداخت تسهیلات کوتاه مدت و کم مبلغ
۱۲	شرایط سختگیرانه بانک‌ها به خصوص در اخذ وثایق و سایر مدارک

مأخذ: یافته‌های پژوهش

۵. نتیجه‌گیری

بررسی عملکرد کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید در بخش صنعت طی سال‌های ۱۳۹۷-۱۳۹۶ در استان قزوین نشان داد همواره بین طرح‌های مصوب کارگروه و اجرا شده توسط بانک‌های عامل انحراف وجود داشته و به طور متوسط طی سال‌های مورد بررسی ۴۴ درصد از طرح‌های مصوب موفق به دریافت تسهیلات نشده‌اند. به منظور شناسایی عوامل مؤثر بر این مسأله، این پژوهش با همکاری ۱۵ نفر از افراد آگاه به موضوع در ۳ بخش بانکی، خصوصی و دولتی، به روش دلفی انجام

شد و در نتیجه ۱۲ عامل، به‌عنوان عوامل مؤثر در ایجاد انحراف بین مصوبات کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید و عملکرد شبکه بانکی استان در اعطای تسهیلات به واحدهای تولیدی در بخش صنعت، شناسایی شد. در ادامه با استفاده از روش تاپسیس، عوامل شناسایی شده رتبه بندی شد.

دو عامل بی‌ثباتی اقتصاد کلان و شرایط نامساعد کسب و کار از جمله مهمترین عواملی است که از سوی شرکت کنندگان در این پژوهش بعنوان عواملی که عملکرد تولید کنندگان را تحت تأثیر قرار داده و با بحران مالی و اقتصادی مواجه می‌کند، معرفی شده است.

عملکرد نامناسب کارگروه در تأیید و تصویب درخواست‌ها به جهت اصرار و تحکم مدیران ارشد بر افزایش عملکرد کارگروه به منظور ارتقاء رتبه استان در جذب تسهیلات و عدم بررسی و ارزیابی دقیق و کارشناسی صحیح درخواستهای وارد شده در کمیته کارشناسی ذیل کارگروه موجب ارجاع درخواست‌هایی به شبکه بانکی می‌شود که فاقد اعتبار لازم از منظر بانک هستند این درحالی است که شبکه بانکی با توجه به قوانین و مقررات و دستورالعمل‌های ناظر بر فعالیت خود مجاز به اعطای تسهیلات به متقاضیان است. بر اساس ماده ۲ دستورالعمل تأمین مالی بنگاه‌های کوچک و متوسط بانک مرکزی، اعطای تسهیلات به بنگاه‌های کوچک و متوسط معرفی شده از سوی کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید استان مشروط به احراز توجیه فنی، مالی و اقتصادی مناسب فعالیت توسط بانک است. در مواردی بررسی‌های فنی و اقتصادی بانک نشان می‌دهد مشکلات شرکت ناشی از کمبود نقدینگی نبوده بلکه به دلیل ضعف مدیریت، از دست دادن بازار و یا هزینه بالای تولید محصول و ... است؛ لذا علی‌رغم تصویب طرح در کارگروه، سیستم بانکی با اعطای وام موافقت نمی‌نماید.

نبود مکانیزیم‌های نظارتی لازم جهت اخذ بازخورد از بانک‌های عامل و فعالان اقتصادی، موجب شده شفافیت لازم در پرداخت‌ها و میزان اثربخشی تسهیلات وجود نداشته باشد؛ درحالی که وجود چنین مکانیزیم‌هایی موجب انتقال تجارب و انجام اصلاحات لازم در عملکرد کارگروه در بررسی و تأیید درخواست‌ها و نیز عملکرد شبکه بانکی در پرداخت‌ها شود.

در ارتباط با عملکرد بخش خصوصی مهمترین مسأله، ارائه طرح‌های فاقد توجیه اقتصادی، فنی و مالی است. همچنین عدم رعایت نسبت مالکانه و اعتبار بانکی بسیار ضعیف برخی از شرکت‌ها به دلیل وجود چک برگشتی و بدهی جاری (وام‌های بازپرداخت نشده در سیستم بانکی که در مواردی رقم آنها بالاتر از وام تقاضا شده‌ی جدید است) از موانع موجود در این رابطه هستند. بر اساس تبصره ۱ ماده ۳ دستورالعمل مذکور (تبصره ماده ۶۲ قانون الحاق موادی به قانون رفع موانع تولید رقابت پذیر)، مبلغ بدهی‌های غیرجاری بنگاه‌های کوچک و متوسط نباید بیش از تسهیلات/تعهدات درخواستی و سقف چک‌های برگشتی بنگاه‌های مورد نظر نباید از ۲۵ درصد تسهیلات/تعهدات درخواستی بیشتر باشد. در خصوص مبالغ بدهی‌های غیرجاری بیشتر از تسهیلات/تعهدات (حداکثر تا سقف ۵۰ درصد تسهیلات/تعهدات) و همچنین چک‌های برگشتی بیش از ۲۵ درصد تسهیلات/تعهدات (حداکثر تا سقف ۵۰ درصد تسهیلات/تعهدات) تصمیم‌گیری در اختیار ستاد مرکزی بانک‌های عامل در استان تهران می‌باشد. شایان ذکر است این شرایط صرفاً مربوط به متقاضیانی است که تاکنون از تسهیلات طرح رونق تولید استفاده ننموده‌اند.

بعضی از شرکت‌ها نیز نمی‌توانند مدارک قانونی و یا وثایق لازم را به بانک ارائه نمایند و این امر موجب رد تقاضا و نیز طولانی شدن فرآیند رسیدگی می‌شود. از جمله این مدارک می‌توان به صورت‌های مالی حسابرسی شده‌ای که ویژگی‌های مورد نظر بانک را داشته باشد اشاره کرد. در مواردی شرکت‌ها به دلیل عدم تمایل به پرداخت مالیات، اصطلاحاً دو دفتری هستند و بر اساس دفاتر رسمی صورت‌های مالی ضعیفی دارند که قادر به تأمین معیارها و شاخص‌های مورد نظر بانک نیست به طوری که ظرفیت تولید و فروش پایین نشان داده می‌شود در حالی که رقم وام درخواستی را با توجه به میزان فروش و هزینه‌های تولید واقعی خود تعیین می‌کنند. در این موارد بانک به این تشخیص می‌رسد که مبلغ وام جهت تأمین سرمایه در گردش بسیار بیشتر از مبلغ مورد نیاز شرکت بر اساس دفاتر است و یا اینکه محصولات تولیدی بنگاه دارای بازار فروش قابل قبولی نبوده و علت تعطیلی بنگاه ناشی از کمبود نقدینگی نیست. لازم به ذکر است در مورد شرکت‌های تازه تأسیس، بر اساس قانون، بانک به طرح‌هایی که دارای ۶۰ درصد پیشرفت فیزیکی هستند وام اعطا می‌کند.

برخی از متقاضیان نیز در ارائه وثایقی که پوشش دهندگی مناسبی داشته باشد، به طوری که اصل و سود تسهیلات را پوشش دهد، بازمی‌مانند.

با توجه به اینکه تعدادی از شرکت‌هایی که از طریق کارگروه تسهیل و رفع موانع تولید اقدام به اخذ تسهیلات می‌کنند، شرکت‌های بحران زده و مشکل‌دار هستند، بنابراین بانک‌های عامل به دلیل ترس از معوق شدن و نکول تسهیلات، تمایلی به اجرای مصوبات کارگروه درباره این شرکت‌ها ندارند و سعی می‌کنند تسهیلات را به سمت مشتریان طلایی و خوش حساب قبلی خود ببرند. با توجه به مطالب عنوان شده، پیشنهاد می‌شود:

۱. بمنظور ایجاد شکل‌گیری ادبیات مشترک و هماهنگی بیشتر میان دستگاه‌های متولی و بانک‌های عامل و وحدت رویه در بررسی‌ها، پیشنهاد می‌شود شاخص‌های مشترک تولیدی و مالی برای بررسی صلاحیت واحدها در کمیته کارشناسی تهیه شده تا این امر باعث کاهش نسبت مصوب به پرداخت گردد.
۲. پیشنهاد می‌شود آگاه‌سازی و اطلاع‌رسانی از شرایط و ضوابط بررسی و تأیید درخواست‌ها، براساس یک دستورالعمل مدون در اختیار متقاضیان قرار گیرد، این امر موجب تعدیل انتظارات متقاضیان و ارائه مستندات صحیح و دقیق‌تر و مانع انتقال توقعات و مشکلات به بانک‌ها و مراحل پس از آن خواهد شد.
۳. توصیه می‌شود بانک‌ها برای افزایش شفافیت، مکانیزم اعتبار سنجی و کانال اعتباری دائمی بین خود و مشتریان خود (فعالان اقتصادی) را، بمنظور تأمین مالی به‌هنگام تولید، ایجاد نمایند.
۴. توصیه می‌شود اعضای کارگروه از اصرار و تحمیل مصوبات به بانک‌ها بدون انجام کارشناسی صحیح و دقیق ممانعت نمایند زیرا این امر موجب افزایش سطح مطالبات معوقات و کاهش توان وام‌دهی بانک‌ها می‌شود.
۵. راهبردها، سیاست‌ها و اقدامات ستاد/کارگروه در راستای سیاست بهبود محیط کسب و کار کشور و استان باشد از اینرو باید نگرش تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران استانی را از توجه صرف به مقوله

پرداخت تسهیلات بانکی به موضوعات دیگری من جمله تسهیل و بهبود فرایندهای انجام کسب و کار جلب نمود.

۶. برای جلوگیری از رشد تسهیلات تکلیفی از طریق کانال‌هایی به غیر از قوانین بودجه، کلیه تسهیلات تکلیف شده فقط در تبصره ۱۸ قانون بودجه سنواتی متمرکز شود و خارج از این تبصره، اعطای تسهیلات به بانک‌ها تکلیف نشود.

منابع

- علیدوستی، سیروس (۱۳۸۵). «روش دلفی: مبانی، مراحل و نمونه‌هایی از کاربرد». فصلنامه علمی و تریجی مدیریت و توسعه، سال هشتم، شماره ۳۱، زمستان، صص ۸-۲۳.
- احمدی، نسیم (۱۳۸۸). «معرفی و نقد روش دلفی». کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۲۲، صص ۹۵-۱۰۸
- تیموری اصل، یاسر و علی‌اکبر جوکار (۱۳۹۴). «ارائه مدل بازارگرایی در صنعت بانکداری ایران با استفاده از روش دلفی»، پژوهش‌های مدیریت در ایران، دوره ۱۹، شماره ۱، صص ۴۵-۶۷.
- فتحی آقابابا، محسن و همکاران (۱۳۹۹). «اثر تسهیلات بانکی بر رشد ارزش افزوده صنعت، خدمات، کشاورزی، ساختمان و مسکن»، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، سال چهاردهم، شماره ۲، صص ۷۷-۱۰۲.
- سید نورانی، سید محمد رضا و دیگران (۱۳۹۷). «عوامل مؤثر بر انحراف تسهیلات در ایران»، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۶، شماره ۹۹، صص ۶۹-۴۱.
- اخلاقی مدیری، ندا و همکاران (۱۳۹۶). «اثر دخالت دولت در بخش بانکی روی پایداری مالی این بخش در ایران در دوره ۹۲-۱۳۸۰»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۴، صص ۱۷۲-۱۴۷.
- شاکری، عباس (۱۳۹۵). مقدمه‌ای بر اقتصاد ایران. تهران: انتشارات رافع.
- میربهراری، سید مهرزاد (۱۳۸۱). «تسهیلات تکلیفی و اثرات آن بر سیستم بانکی کشور»، بانک و اقتصاد، بخش اول و دوم، شماره ۲۳ و ۲۴، صص ۴۵-۳۹ و ۴۵-۴۲.
- تقوی، مهدی و مریم خلیلی عراقی (۱۳۸۳). «عوامل مؤثر بر سرکوب مالی و سلسله مراتب تأثیر آنها در اقتصاد ایران با به کارگیری مدل‌های تصمیم‌گیری گروهی»، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال هفتم، شماره ۲۲، صص ۹۱-۱۱۳.

- Okoli, Chitu and Pawlowski, Suzanne D.** (2004). "The Delphi Method as a Research Tool: an Example, Design Considerations and Applications". *Information & Management*, 42 (1), pp. 15-29
- Awad I.M. and M.S. Karaki** (2019). "The Impact of Bank Lending on Palestine Economic Growth: An Econometric Analysis of Time Series data". *Financial Innovation*, 5(14). <https://doi.org/10.1186/s40854-019-0130-8>
- Linstone H. and M. Turoff** (2002). *The Delphi Method: Techniques and Applications*, Edited by Harold A. Linstone and Murray Turoff, London: Addition Westly, 1975.
- Roberts T.G. and J.E. Dyer** (2004). "Characteristics of Effective Agriculture Teachers". *Agricultural Education*, 45(4), pp. 82- 95.
- Nistler D.L., Lamm A.J. and N. Stedman** (2011). "Evaluating the Influences on Extension Professionals Engagement in Leadership Roles". *Agricultural Education*, 52(3), pp. 110- 120.
- Smalley S.W. and M.S. Retallick** (2011). "Purposes Activities and Documentation of early Field Experience in Agricultural Teacher Education: A National Delphi Study". *Agricultural Education*, 52(3), pp. 100- 109.

